

ژئوپلیتیک جنگ دوم خلیج فارس (۹۰-۱۹۹۱ م)

معصومه طاهری موسوی

دانشجوی دوره دکترای تخصصی جغرافیای سیاسی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چکیده

به منظور بررسی جنگ دوم خلیج فارس، در خلال سال‌های ۹۰-۱۹۹۱ م به‌عنوان بحرانی بین‌المللی ضروری است ابتدا بحران و الگوی بحران تبیین و شناسایی شود. بحران ارتباط تنگاتنگی با منازعه و جنگ دارد ولی در صورت بررسی عمیق و همه‌جانبه تفاوت واژگان فوق‌آشکار می‌شود. خلیج فارس به دلیل موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی همواره در طول تاریخ با تهدید و مخاطره مواجه بوده است. وجود منابع غنی نفت و گاز و راهیابی آن از طریق تنگه هرمز به دریای عمان، عرب و اقیانوس هند باعث شده است ارتباط دریایی شرق مدیترانه و جنوب غرب آسیا با خاور دور و شرق آسیا با سهولت افزون‌تری انجام گیرد. به‌طور کلی برخورداری خلیج فارس از دو موقعیت ممتاز ثابت (جغرافیایی) و متغیر (منابع انرژی) موجب گشته کشورهای غربی و در رأس آن‌ها ایالات متحده آمریکا نسبت به تهدید منافع خود در این منطقه حساسیت زیادی داشته باشند. به همین دلیل ادعای عراق مبنی بر مالکیت کویت و حمله نظامی به این سرزمین در سال ۱۹۹۰ م و واکنش سریع و گسترده کشورهای ذینفع در اندک زمانی به بحرانی بین‌المللی مبدل گردید، در تحقیق حاضر سعی گشته به این سؤال پاسخ داده شود:

«آیا بحران خلیج فارس طی جنگ دوم از الگوی جامع بحران تبعیت می‌نماید؟»

واژگان کلیدی: بحران، بین‌المللی، خلیج فارس، گسترش بحران، بازیگران.

مقدمه

اصولا بحران‌ها ابعاد مختلفی دارند، مسایلی از قبیل زمان وقوع، مکان جغرافیایی، قدرت طرف‌های درگیر و تعداد بازیگران اصلی و فرعی حایز اهمیت‌اند. آنچه در بحران‌های بین‌المللی به‌عنوان وجوه اشتراک بیان می‌شود، دخالت قدرت‌های بیگانه و ورود آن‌ها به‌عنوان بازیگران فرعی و در بسیاری اوقات نقش تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز آن‌ها است. به هر تقدیر زمانی یک بحران بین‌المللی رخ می‌دهد که تغییر رفتار یک یا چند دولت منتهی به کنش متقابل خصومت‌آمیز شود و احساس تهدید موجب می‌گردد بحرانی در سیاست خارجی کشوری به‌وجود آید که معمولا با فاصله‌ای اندک به کشور مقابل انتقال می‌یابد. نقطه تمرکز بحران اغلب یک موضوع واحد است (اختلاف مرزی، تحریم اقتصادی، تهدید گروهی اقلیت و ...). جنگ دوم خلیج فارس دارای سطوح و مراحل بود که با الگوی تئوری بحران مطابقت می‌نمود در فاصله‌ای اندک ائتلافی گسترده در جهان صورت گرفت و بازیگران فرعی وارد عرصه پیکار شدند.

با توجه به اهمیت بحران‌های بین‌المللی در این تحقیق سعی شده این فرضیه بررسی شود که: "جنگ دوم خلیج فارس ۹۱-۱۹۹۰ م با الگوی تئوری بحران‌های بین‌المللی تا حدود بسیار زیادی مطابقت می‌نماید"

روش بررسی

روش‌های بررسی از طریق مطالعه اسناد مکتوب موجود در کتابخانه‌ها و آرشیوها، کتب چاپی، کتابخانه‌های دیجیتالی و سایت‌های اینترنتی انجام شده است.

پیشینه تحقیق

بحران‌های نظامی امنیتی در بسیاری از دوره‌ها وجود داشته (نظام‌های باستانی خاورمیانه، چین و ...) ولی به‌عنوان پدیده‌ای قابل مطالعه از حدود سال ۱۹۶۰ م مورد توجه و شناسایی تحلیل‌گران قرار گرفته است به‌صورتی که تحقیق پیرامون بحران‌ها بر اساس چند شاخص طبقه‌بندی شده از جمله "تبیین دلایل ناکارآمدی دولت‌ها و پیش‌بینی بحران‌ها، ساختار سیستم‌ها و تأثیر آن در فرآیند تصمیم‌گیری، مدیریت بحران، مطالعه الگوی فشارهای روانی افراد و بررسی تصمیم‌گیری‌ها از طریق تمایلات روانشناختی و روانکاوانه و ..." شاخص‌های موجود موجب تفاوت در تعاریف شده‌اند بعضی از آن‌ها با ضعف‌هایی همراه‌اند و در بر گیرنده تمامی مفاهیم مرتبط با موضوع نیستند، بنابراین با توجه به ادبیات موجود در خصوص بحران و تعدد و تنوع تعاریف و رهیافت‌ها می‌توان اذعان نمود که تا امروز نظریه واحد و خاصی که مورد قبول اکثر تحلیل‌گران باشد ارائه نگردیده است.

۱- تعاریفی از واژه بحران

در فرهنگ فارسی واژه بحران^۱ به معنی "وضع غیرعادی در امری از امور مملکتی تعریف شده است" (معین، ۱۳۶۲). در فرهنگ علوم سیاسی بحران با توضیحاتی مشابه بیان شده است، از آن جمله:

- وضعیت ناپایدار و متزلزلی که در چارچوب آن تغییر قطعی، بهتر یا بدتر در شرف وقوع است.
- هر نوع بی‌ثباتی که به تغییرات اساسی منجر شود.
- شرایط، اوضاع یا دوران خطرناک و فاقد اطمینان (آقابخشی، ۱۳۷۴)

۲- چگونگی شناسایی بحران‌های نظامی، امنیتی

بحران بین‌المللی شامل بحران سیاست خارجی برای یک یا چند کشور است، جرقه یک بحران حالت

ادراکی دارد، به طور دقیق می توان گفت این امر از سه تصور به هم پیوسته سرچشمه می گیرد، این تصورات که به وسیله یک عامل خصومت آمیز، یک واقعه اختلاف انگیز یا یک تغییر محیطی به وجود می آیند عبارتند از:

- تهدید یک یا چند ارزش اساسی

- زمان محدود برای پاسخ

- احتمال زیاد درگیری در مخاصمات نظامی (Crisis group. Org)

”در مجموع یک بحران سیاسی خارجی حاصل احساس تصمیم گیرندگان در عالی ترین سطح مبنی بر وجود فشار یا فشارهایی است که منشأ خارجی دارند، چنین بحرانی شروع یک بحران بین المللی را نیز علامت می دهد“ (برچر، ۱۳۸۲، جلد ۱، ص ۲۵). عموماً بحران ها با کنش ها رویدادها یا دگرگونی های محیطی شناخته می شوند که پیش از وقوع مخاصمات نظامی به وقوع می پیوندند، البته صرفاً قبل از جنگ ها اتفاق نمی افتند بلکه ممکن است یک تهاجم که نشانه وقوع جنگ است آغازگر یک بحران باشد مانند (حمله نظامی آلمان در سال ۱۹۴۱ به منطقه بارباروسا) و یا امکان دارد به جنگ کشیده شود همانند (بحران مرزی میان هند و چین در ۶۳-۱۹۵۳ م).

۳- مراحل بحران

از لحاظ مفهومی بحران بر مبنای چهار سطح عمل می نماید.

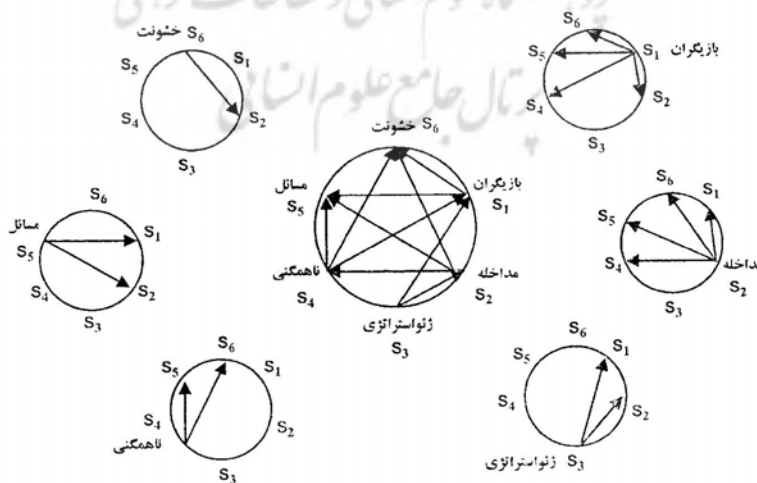
- پیدایش (دوره ماقبل بحران)

- گسترش (اوج بحران)

- کاهش (سازش)

- تأثیر (کنش متقابل غیر بحرانی) (همان مأخذ، ۳۰)

اهمیت ژئواستراتژیکی بحران می تواند بر هر یک از سطوح ذکر شده تأثیرگذار باشد و عواملی مانند تعداد بازیگران، مداخله قدرت های بزرگ، بعد جغرافیایی، میزان خشونت، شدت بحران را افزایش و یا کاهش دهند. نمودار ۱، شاخص های شدت بحران، شبکه تأثیرات را نشان می دهد.



نمودار ۱: شاخص های شدت بحران، شبکه تأثیرات

منبع: بحران سیاست در جهان، جلد ۲، ص ۲۲

۴- بحران خلیج فارس

۴-۱) موقعیت جغرافیایی خلیج فارس

خلیج فارس پیشرفتگی دریا در خشکی است و میان کشور ایران در شمال و شبه جزیره عربستان در جنوب قرار دارد. از پدیده‌های دوران سوم زمین‌شناسی است و میلیون‌ها سال قبل به وجود آمده، در کتاب حدودالعالم قدیمی‌ترین کتاب جغرافیا به زبان فارسی چنین آمده است: "خلیج فارس از حد پارس برگردد، با پهنای اندک تا به حدود رسد" (اقتداری، ۱۳۵۶، ص ۲). حدود آن از مصب اروند رود (محل پیوستن رودخانه‌های دجله و فرات) آغاز و تا شبه جزیره مسندم در عمان امتداد یافته و از طریق دریای عمان با اقیانوس هند مرتبط می‌شود. "طول خلیج فارس از دهانه اروند رود تا ساحل عمان حدود ۸۰۰ کیلومتر و سطح آب‌های خلیج فارس به طور تقریبی ۲۳۲۸۵۰ کیلومتر مربع و عمق متوسط آن ۳۵ متر است که در تنگه هرمز به ۱۰۰ متر می‌رسد. به طور کلی سواحل شمالی عمق افزون‌تری نسبت به سواحل جنوبی دارند" (الهی، ۱۳۷۸، ص: ۱۲). همسایگان خلیج فارس عبارتند از:

- ایران، با مرزی حدود ۱۲۵۹ کیلومتر (از دهانه اروند رود تا بندرعباس)
- عراق، با احتساب آبراه خورعبداله، حدود ۸۰ کیلومتر مرز آبی دارد.
- کویت، حدود ۶۰ کیلومتر از ساحل غربی خلیج فارس را به خود اختصاص داده است.
- منطقه بیطرف، به طول ۷۲ کیلومتر بر اساس قراردادی میان کویت و عربستان تقسیم شده است.
- عربستان سعودی، حدود ۴۰۰ کیلومتر مرز آبی دارد که شامل بخش غربی خلیج سالوا^۴ نیز هست.
- قطر، با سواحلی حدود ۵۶۳ کیلومتر از ساحل شرقی خلیج سالوا آغاز می‌شود و جزایر بحرین در دهانه آن گسترده شده است.
- امارات متحده عربی، متشکل از هفت شیخ نشین ابوظبی^۵، دوبی^۶، شارجه^۷، عجمان^۸، القوین^۹، رأس‌الخیمه^{۱۰} و فجیره^{۱۱} که در شبه جزیره مسندم قرار دارند، این شبه جزیره پیشرفتگی خاک در آب است و به رأس‌المسندم مقابل ساحل دیوان در تنگه هرمز منتهی می‌شود (همان ماخذ، ۱۵)
- نقشه ۱ نشان دهنده موقعیت جغرافیایی کشورهای حوزه خلیج فارس است.

۴-۲) جغرافیای تاریخی خلیج فارس

در آثار به جا مانده غرب این دریا با نام پرسیکوس^{۱۲} آمده است (دهخدا، ۱۳۷۸). در قرن اخیر نام "بحر فارس" به خلیج فارس^{۱۳} تبدیل شده است. در کشورهای انگلیسی به همان نام لاتین خوانده می‌شد در رابطه با اصالت نام خلیج فارس باید ادعان نمود، اسناد و مدارک به جا مانده این خلیج به "دریای پارسی" شهرت داشته است. اولین بار سرچارلز بلگریو^{۱۴} کارگزار دولت انگلستان در خلیج فارس (۲۶-۱۹۵۷) در کتاب خود با عنوان "خلیج عربی" این نام بی‌مسما و بی‌ریشه را باب نمود جمال عبدالناصر رییس جمهور فقید مصر نیز جهت برانگیختن احساسات ناسیونالیستی اعراب از واژه تحریفی "خلیج عربی" استفاده نمود که موجب تیرگی روابط ایران و اعراب و بهره‌برداری دولت‌های استعماری در زمانه خود گردید (مجتهد زاده، ۱۳۵۴، ص ۴۸).

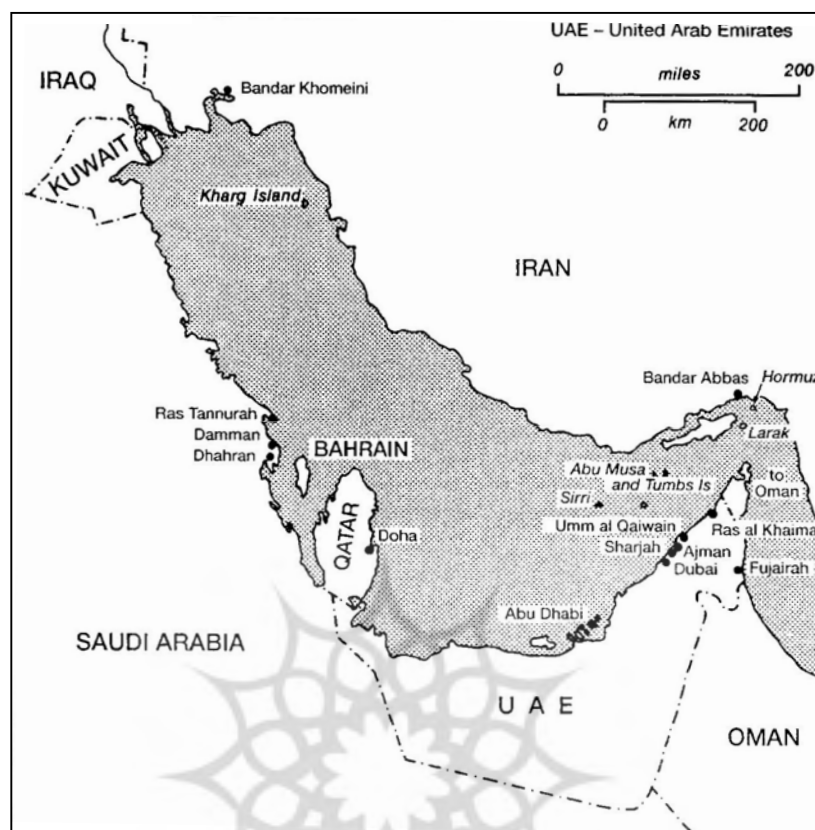
۴-۳) زمینه‌های پیدایش بحران در خلیج فارس

از حدود قرن پانزدهم میلادی دریای نیمه بسته خلیج فارس عرصه رقابت‌های سیاسی بیگانگان اروپایی (اسپانیا، پرتغال، فرانسه، هلند، آلمان، بریتانیای کبیر) تا ابتدای دهه ۱۹۷۰ بوده است.

4- Salwa
7- Sharjeh
8- Ajman
Fujairah

5- Abu-Dahabi
9- Qiwain

6- Dubai
10- Rasalkhaimh
11-



نقشه ۱: موقعیت خلیج فارس

منبع: Atlas of world affairs, 1988.p.15

به تدریج در طول این سال‌ها خلیج فارس از حالت یک آبراه ساده تجاری بین‌المللی به صورت یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیکی دنیا که ذخایر عظیمی از انرژی جهان را در خود جای داده تبدیل گشته و جایگاه خاصی در روابط بین الملل یافته است.^{۱۵} ”در گذشته اساس و ملاک تعیین مرز، محدوده استقرار قبیله‌ها در این منطقه به‌شمار می‌رفت که به مرور زمان تکامل یافتند“ (درایسدل، ۱۳۷۴، ص ۵۸).

ریشه بحران ۹۱-۱۹۹۰ خلیج فارس را می‌توان در فروپاشی امپراتوری عثمانی پس از جنگ اول جهانی، تأسیس عراق در ۱۹۲۰، و استعمار طولانی‌مدت انگلستان بر کویت تا سال ۱۹۶۱ (اعلام استقلال این کشور) و ادعای کهنه عراق مبنی بر انضمام کویت به خاک این کشور جستجو نمود. وقوع دو جنگ جهانی اول و دوم با عنوان دو بحران بین‌المللی در این منطقه تأثیرات قابل توجهی بر جای گذاشتند. پایان جنگ اول جهانی در واقع آغاز توجه به ماده حیاتی نفت بود، پس از این تاریخ اهمیت خلیج فارس تنها در راه ارتباطی خلاصه نمی‌شد. ”نفت در ایران ۱۹۰۸ م، عراق ۱۹۱۲، بحرین ۱۹۳۴، عربستان سعودی ۱۹۳۷، کویت ۱۹۳۸، عمان ۱۹۶۹“ (الهی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۹) موجب گردید غرب و در رأس آن انگلستان با ایجاد دولت‌های تحت‌الحمایه متعدد در منطقه و به‌وجود آوردن حکومت‌های منطقه‌ای در جنوب ایران نظیر حکومت شیخ خزعل در خوزستان و یا انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ با ایران مبنی بر کنترل کامل ایران از نظر نظامی، اقتصادی و سیاسی سعی در تثبیت منافع خود در فاصله دو جنگ جهانی نمود.

۱۵- یک کارشناس نفتی عربستان سعودی گفت: پنج کشور حاشیه خلیج فارس با ۷۲۳ میلیارد بشکه نفت ذخایر ثابت شده در دو دهه آینده همچنان تولیدکننده عمده نفت باقی می‌مانند (روزنامه اطلاعات، ۲ مهر ۸۴، ص ۱۸)

۴-۴) بررسی الگوی جامع بحران در خلیج فارس

الف: مرحله آغاز

عوامل متعدد ناشی از سیستم و روابط بین بازیگران باعث گردید تا فرصت ایجاد بحران برای عراق در نیمه دوم ژوئیه ۱۹۹۰ فراهم گردد، قبل از آن جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به مدت ۸ سال (۸۰-۱۹۸۸) موجب گردید دولت عراق درخواست وام و قروض سنگین نماید و بازسازی مناطق تخریب شده و جبران زیان‌های ناشی از جنگ بودجه‌ای کلان می‌طلبید. در همسایگی عراق کشور کوچک، ثروتمند و آسیب‌پذیر کویت همراه با ادعای دیرپای عراق مبنی بر دارا بودن عنوان استان نوزدهم، همچنین اختلاف دو کشور بر سر جزایر بسیار استراتژیکی بویان و واربا^{۱۶} میدان نفتی ارزشمند رومیلا^{۱۷} پیش‌زمینه حمله عراق علیه کویت را فراهم آورد، ابتدا این گونه به نظر می‌رسید که موضع قدرت‌های بزرگ جهان به نفع عراق است. بوش رئیس‌جمهور وقت آمریکا مهم‌ترین حامی و پشتیبان عراق طی جنگ هشت ساله تحمیلی این کشور علیه ایران به شمار می‌رفت.

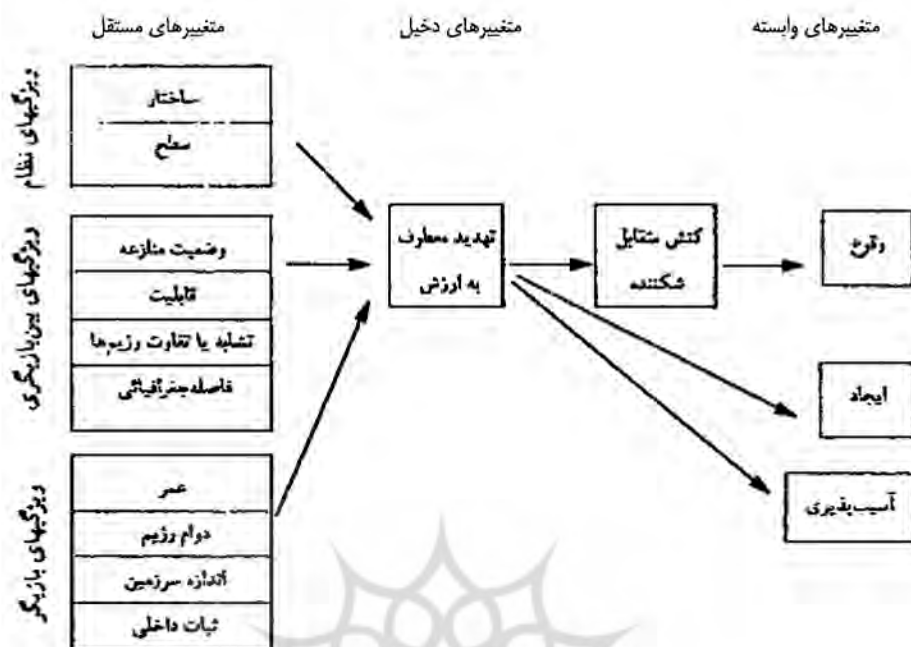
”مقدمه بحران حدود ۵ ماه قبل از آغاز رسمی آن فراهم گردید“ (برچر، ۱۳۸۲، جلد ۲، ص ۱۵۷) در ۲۴ فوریه ۱۹۹۰ در شهر امان و در اولین اجلاس شورای همکاری عرب^{۱۸} رییس‌جمهور وقت عراق هشدار مبنی بر رفتار دولت‌های کوچک تولیدکننده نفت خلیج فارس و مقابله با سلطه آمریکا ابراز نمود. به‌طور کلی می‌توان تحولات آغاز بحران را این‌گونه دسته‌بندی کرد:

- هفدهم ژوئیه ۱۹۹۰، آغاز دوره قبل از بحران، عراق با استقرار تعداد زیادی موشک و تانک و تعداد سی و پنج هزار نیرو سطح تهدید را از نظر کویت افزایش داد (عمل نظامی آرام و غیرخشن)
- بیست و چهار ژوئیه ۱۹۹۰، ایالات متحده آمریکا تمرین نظامی مشترک با امارات انجام داد (اقدام دولت حامی)
- بیست و پنج ژوئیه ۱۹۹۰، عراق چهل و دو میلیارد دلار از کویت درخواست غرامت کرد (اقدام لفظی)
- اول اوت ۱۹۹۰، مذاکرات جده بین مقامات ارشد عراق و کویت که از روز قبل شروع شده بود شکست خورد (قدام سیاسی) (Archireditions.co)
- نیمه شب اول اوت ۱۹۹۰، پایان مرحله آغاز بحران و حمله عراق به کویت
- به‌طور کلی مرحله آغاز بحران از هفدهم ژوئیه تا اول اوت ۱۶ روز به طول انجامید (شکل ۱) نشانگر مدل پیدایش بحران است.

ب: تصاعد و گسترش بحران

”در الگوی جامع بحران، عبور از مرحله آغاز به مرحله تصاعد در حقیقت تغییر سطح بحران است و نوعاً با تعامل خصمانه شدیدتری از نظر کیفی صورت می‌گیرد. در بحران خلیج فارس، کویت اولین بازیگری بود که تغییر در الگوی بحران را تجربه کرد. لازم به ذکر است گاه در مرحله گسترش بحران امکان دارد یک یا چند بازیگر قدم به دوره بحران بگذارند“ (برچر، ۱۳۸۲، ص ۱۷۷). به‌طور کلی مرحله گسترش بحران را می‌توان به‌صورت زیر تلخیص نمود:

- اول اوت ۱۹۹۰، حمله رسمی عراق به کویت
- دوم اوت ۱۹۹۰، محکومیت حمله عراق توسط ایالات متحده آمریکا طی بیانیه‌ای رسمی و درخواست عقب‌نشینی بی‌قید و شرط نیروهای عراق از خاک کویت



شکل ۱- مدل پیدایش بحران

منبع: ظهور سقوط بحران‌ها، جلد ۱، ص ۱۰۳

- توقیف دارایی‌های عراق و کویت در آمریکا به میزان سی میلیارد دلار
- تصویب چندین قطعنامه و آخرین آن ۶۷۸ از سوی شورای امنیت مبنی بر خروج بدون قید و شرط عراق از خاک کویت
- هفدهم ژانویه ۱۹۹۱، حمله هوایی، دریایی گسترده آمریکا، هجده شهر ائتلاف کننده علیه عراق و در حمایت از کشور کویت آغاز گردید.
- بیست و چهار فوریه ۱۹۹۱، آغاز حمله زمینی علیه عراق
- بیست و هشت فوریه ۱۹۹۱، قبول شرایط بوش از سوی عراق و برقراری آتش بس یک‌جانبه و پذیرش کلیه قطعنامه‌های مرتبط
- دوازده آوریل ۱۹۹۱، اجرای قطعنامه ۶۷۸ بعد از اجرای آتش بس کامل (PersianGulf- News)

ج: مرحله کاهش بحران

- بیست و هشت فوریه ۱۹۹۱، پایان جنگ و آغاز مرحله کاهش بحران
- اول مارس تا پایان آوریل ۱۹۹۱، مرحله برقراری آتش بس
- خروج گسترده از کویت تا بیست و سوم فوریه از جزایر بوبیان و وربا، میدان نفتی رومیلا، تخلیه کویت، آزادی کلیه اسرای جنگی، در اختیار گذاشتن تمامی اطلاعات مربوط به حمل مین‌ها، تله‌های انفجاری، و پایان عملیات ضد هوایی عراق و پرواز هواپیماهای جنگی بر فراز خاک کویت
- برقراری مجدد حکومت الصباح در کویت

- اعلام گردید پایان یافتن تحریم‌های اقتصادی علیه عراق مستلزم صدور قطعنامه توسط شورای امنیت است.

- ارزیابی خسارات وارده بر تسلیحات عراق، تلفات انسانی بین صد تا صد و بیست هزار کشته، مجروحان حدود سیصد هزار نفر و تعداد غیر نظامیان کشته شده بین هفتاد و چهار هزار تا یکصد هزار نفر (گزارش پنتاگون، آوریل ۱۹۹۲) در مقابل نیروهای کویتی و ائتلاف تعداد دو هزار تا پنج هزار کشته و سیصد و چهل و سه نفر مجروح داشتند (گزارش صلح بشر، ژانویه ۱۹۹۲)

- میزان بدهی عراق در سال ۱۹۹۱ مبلغ ۸۰ میلیارد دلار برآورد گردید.

- به آتش کشیدن ۶۵۰ حلقه چاه نفتی و انهدام ۷۴۹ حلقه چاه هنگام عقب نشینی عراق از خاک کویت

- وارد کردن خسارت به بخش غیر نفتی عراق به میزان ۵ تا ۱۰ میلیارد دلار

- آوارگی پنج میلیون نفر در منطقه خلیج فارس به عنوان بزرگترین جابه‌جایی‌های انسانی در قرن بیستم (Persian Gulf- News)

- خاتمه یافتن ناگهانی جنگ و پایان یافتن الگوی بحران برای آمریکا

صاحب‌نظران چند دلیل جهت ختم جنگ دوم خلیج فارس و کاهش یافتن بحران ناشی از آن ذکر می‌نمایند از آن جمله:

- احتمالاً درخواست و فشار متحدین عرب آمریکا مانند مصر و عربستان سعودی

- نفوذ هواداران اعراب در بوروکراسی امنیت ملی در ایالات متحده آمریکا

- انهدام و تجزیه عراق موازنه قوا را در خلیج فارس به خطر می‌انداخت و احتمال می‌رفت ایران بر منطقه خلیج فارس سلطه افزون‌تری یابد به خصوص کشور نفت خیز عربستان در حوزه نفوذ ایران قرار گیرد (عزتی، ۱۳۸۴)

با توجه به طی مراحل مختلف الگوی بحران می‌توان اذعان نمود مرحله تصاعد و گسترش بحران طولانی‌تر از مرحله پیدایش بوده (هفت ماه مرحله تصاعد به طول انجامید) و به‌طور کلی پیچیده‌تر از مرحله پیدایش به‌شمار می‌رود و تعداد بازیگران در این مدت از یک بازیگر به چهارده بازیگر فعال و چهار بازیگر نسبتاً فعال افزایش یافتند (Binternet.com) و بر اساس الگوی بحران تغییر مرحله به صورت تغییر سطح بوده است.

به طوری که بحران فوق به دوره قبل از جنگ اول (از حمله عراق به کویت تا زمان صدور قطعنامه ۶۷۸) دوره قبل از جنگ دوم (ضرب‌الاجل شورای امنیت و صدور مجوز توسل به زور تا آغاز جنگ دوم خلیج فارس)، دوره سوم (جنگ اصلی از ۱۷ ژانویه تا ۲۸ فوریه ۱۹۹۱) تقسیم می‌شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به تعاریف واژه بحران و چگونگی شناسایی بحران‌های نظامی، امنیتی، جنگ دوم خلیج فارس را می‌توان به‌عنوان یک بحران تبیین و تحلیل نمود. این بحران در برگیرنده سه تصور به هم پیوسته (تهدید ارزش‌ها، محدودیت زمانی، درگیری و مخاصمه) است. الگوی بحران از چهار سطح پیدایش، گسترش، کاهش و تأثیر تبعیت می‌نماید، این تطابق را می‌توان به‌شکل زیر خلاصه نمود:

۱- نیمه دوم ژوئیه ۱۹۹۰ م، دوره پیدایش یا دوره قبل از بحران شامل (اقدامات لفظی، سیاسی و اقتصادی)

- ۲- اول اوت ۱۹۹۰ م، آغاز بحران برای دو بازیگر عراق و کویت (حمله عراق به کویت)
- ۳- سی اکتبر ۱۹۹۰ م، آغاز مرحله گسترش بحران (ورود بازیگران جدید به صحنه بحران)
- ۴- ۱۷ ژانویه ۱۹۹۱ م، مرحله گسترش و اوج بحران (حملات گسترده نیروهای ائتلاف علیه عراق)
- ۵- ۲۸ فوریه ۱۹۹۱، آغاز مرحله کاهش بحران و اعلام قبول قطعنامه‌های صادره شده از سوی سازمان ملل متحد توسط دولت عراق
- ۶- ۳ مارس ۱۹۹۱ م، دوره کاهش بحران و آغاز خروج گسترده عراق از خاک کویت و جزایر اشغال شده
- ۷- اواخر مارس ۱۹۹۱ م، آغاز دوره تأثیر بحران و هجوم دو میلیون نفر بی‌خانمان عراقی به ایران و ترکیه
- ۸- آوریل ۱۹۹۱ م، دوره تأثیر و سرآغاز تشنجات قومی و مذهبی در عراق

بنابراین می‌توان فرضیه ارائه شده مبنی بر انطباق بحران خلیج فارس را با الگوی بحران‌های بین‌المللی مثبت ارزیابی نمود و در پاسخ به سؤال مطرح شده می‌توان اذعان نمود که با توجه به تحلیل‌ها و آمارهای ارائه شده جنگ دوم خلیج فارس از الگوی بحران‌های بین‌المللی تبعیت می‌نماید.

منابع

- ۱- آقا بخشی علی، ۱۳۷۴، فرهنگ علوم سیاسی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- ۲- اقتداری احمد، ۱۳۵۶، خلیج فارس، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی ایران.
- ۳- الهی همایون، ۱۳۷۸، خلیج فارس و مسایل آن، نشر قومس.
- ۴- برچر مایکل، ۱۳۸۲، بحران سیاست در جهان، جلد ۱، ترجمه فردین قریشی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۵- برچر مایکل، ۱۳۸۲، بحران سیاست در جهان، جلد ۲، ترجمه حیدر علی بلوچی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۶- درایسدل و بلیک، ۱۳۷۵، جغرافیای سیاسی خاور میانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تهران.
- ۷- دنچف الکس، ۱۳۷۵، دیدگاه‌های بین‌المللی درباره جنگ خلیج فارس، ترجمه محمد حسین آریا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی تهران.
- ۸- دهنخدا علی اکبر، ۱۳۷۸، فرهنگ فارسی، تهران.
- ۹- عزتی عزت‌الله، ۱۳۸۴، جغرافیای ممالک همجوار، دوره دکتری، واحد علوم و تحقیقات آزاد اسلامی تهران.
- ۱۰- کرک مایکل، اسفند ۱۳۸۳، امنیت در خلیج فارس، ترجمه جواد حمیدی، همشهری دیپلماتیک، تهران.
- ۱۱- مجتهدزاده پیروز، ۱۳۵۴، جغرافیای تاریخی خلیج فارس، دانشگاه تهران.
- ۱۲- معین محمد، ۱۳۶۷، فرهنگ فارسی، امیرکبیر.

13- <http://www.crisis group.org>

14- <http://www.archireditions.co.uk>

15- <http://www.Persianguulf.com>

16- Boyd Andrew. Atlas of world affairs, 1998 Routledge, New Yourk